

نگاهی اجمالی بر تاریخچه فعالیت‌های هسته‌ای در ایران و جهان (رابطه سلاح‌های کشتار جمعی با منافع "ملی"؟)

توجهات ناسیونالیستی و بورژوازی برای دستیابی به سلاح‌های اتمی و دولت‌هایی که تلاش می‌کنند این سلاح‌ها را در انحصار خود داشته باشند و یا دولت‌هایی که نان روزانه مردم يك کشور را به بودجه‌های کلان میلیاردی فعالیت‌های هسته‌ای اختصاص می‌دهند، همگی در راستای منافع اقتصادی، سیاسی و نظامی سرمایه‌داری جهانی است و هیچ نفعی برای کارگران و مردم محروم و تحت ستم و آزاده ندارد.

گفته می‌شود که فعالیت هسته‌ای حق طبیعی هر کشوری و از جمله حق طبیعی منافع «ملی» است، گویی که سلاح اتمی قرار است، سفره خالی کارگران و زحمتکشان ایران را رنگین‌تر کند؛ دستاوردی برای آموزش و بهداشت و رفاه جامعه داشته باشد؛ محیط زیست و زندگی مردم سالم شود؛ از مرگ و میر کودکان و کارهای جانکاه کودکان کار جلوگیری گردد؛ به رشد تکنولوژی کارخانه‌های تولیدکننده مایحتاج مورد نیاز جامعه یاری رساند و...، که این چنین سینه چاک فعالیت‌های میلیتاریستی و اتمی را منافع و حق طبیعی ملی معرفی می‌کنند!؟

تکنولوژی و نیروگاه‌های اتمی، اگر در بهترین حالت قرار است درصدی از برق يك کشور را تامین کند، در عین حال بخش عمده آن برای تولید بمب‌های اتمی به کار گرفته می‌شود، محیط زیست و دریاها و جانداران دریایی را با خطر نابودی مواجه می‌سازد و کسانی را که در نزدیکی نیروگاه‌های اتمی زندگی می‌کنند، به بیماری‌های ظاهراً ناشناخته مبتلا سازد. در صورت بروز حادثه‌ای برای نیروگاه اتمی مانند چرنوبیل، رادیواکتیو در هوا پخش می‌شود و جان صدها هزار انسان را با خطر مرگ مواجه می‌سازد. احتمالاً در صورت بروز جنگ، با استفاده از این سلاح مخوف، بشریت باز هم شاهد فجایعی چون ناکازاکی و هیروشیما خواهد بود. حتی فرض کنیم هیچ‌کدام از این حوادث روی ندهد و به اصطلاح نیروگاه‌های اتمی در راستای اهداف «صلح‌جویانه» کار کنند، فقط نگهداری زباله‌های اتمی، مسئله بسیار خطرناکی است و دفن آن، نسل‌های آینده را با بیماری‌های تازه و خطرات تازه روبه‌رو خواهد کرد. بنابراین هیچ توجیهی در راستای فعالیت‌های اتمی جمهوری اسلامی و یا هر کشور دیگر در جهان، نباید از سوی افکار عمومی پذیرفته شود. هرگونه تلاش در این راستا را باید شدیداً محکوم کرد و جلو آن را گرفت. فراتر از آن باید خواهان نابودی و از بین بردن همه سلاح‌های اتمی در سطح جهان و بستن نیروگاه‌های اتمی شد. این خواست نه تنها منافع مردم ایران، بلکه منافع مردم جهان را به دنبال دارد.

با نگاهی به تاریخ فعالیت‌های هسته‌ای دولت‌ها و شرکت‌های چند ملیتی بزرگ تولیدکننده سلاح‌های مرگبار در جهان و ایران، زیان و ضررهای مالی و جانی که به مردم در سطح جهان وارد ساخته است، به سادگی به این نتیجه می‌رسیم که تولید، فروش و استفاده از تکنولوژی هسته‌ای اگر ۱۷ تا ۲۰ درصد به نفع بشریت باشد، ۸۳ تا ۸۰ درصد به ضررش است.

رقابت تسلیحات اتمی در جهان

ایالات متحده آمریکا، اولین کشوری است که در تاریخ، به سلاح‌های اتمی کشتار جمعی دست پیدا کرد و آن را به کار برد. بنا به گزارش‌های منتشرشده امروز فقط ۳۰ درصد برق این کشور از انرژی اتمی تامین می‌شود. در حالی که با اختصاص بودجه میلیاردها دلاری به تولید سلاح اتمی، کره زمین و ساکنان آن را در مخاطرات و نگرانی دائمی قرار داده است. تحول جهانی تکنولوژی

اتمی، دستکم از آغاز جنگ جهانی دوم به این طرف، بیش از همه مشغله رهبران ایالات متحده آمریکا را به خود جلب کرده است.

پروژه ساختن بمب اتمی در آمریکا، در طرح محرمانه‌ای به نام پروژه مانهاتان (**Manhattan Project**) پیش برده می‌شد. برخی از دانشمندی که در این پروژه کار می‌کردند، همواره نگران استفاده از آن را داشتند. برای مثال گروهی از دانشمندان به رهبری جیمز فرانک، در گزارش محرمانه‌ای به هنری استیمسون وزیر جنگ وقت آمریکا، خواهان عدم استفاده بمب اتمی در جبهه ژاپن شدند. همچنین درخواست کردند که پروژه مانهاتان را به اطلاع افکار عمومی جهان، به ویژه شوروی برسانند تا بدینوسیله از آغاز مسابقه تسلیحاتی اتمی پس از پایان جنگ جلوگیری شود. البته کسی به توصیه این دانشمندان گوش نکرد و هاری ترومن رییس جمهوری وقت آمریکا، دستور استفاده از بمب اتم را صادر کرد.

در ماه اوت ۱۹۴۵، آمریکا، دو بمب اتمی بر روی شهرهای ژاپن، هیروشیما و ناگازاکی، پرتاب کرد. بمب هیروشیما از اورانیوم غنی شده و بمب ناگازاکی از پلوتونیوم ساخته شده بود. بدین ترتیب، با استفاده آمریکا از بمب اتم، پس از جنگ جهانی دوم، مسابقه تسلیحاتی به ویژه در زمینه دستیابی به سلاح‌های اتمی شدت بیش‌تری گرفت. شوروی، نخستین بمب اتمی خود را در سال ۱۹۴۹ آزمایش کرد.

انگلستان، پروژه ساختن بمب اتم را تحت عنوان (**Tube Alloy**) یش می‌برد و اولین بمب اتمی خود را در اکتبر ۱۹۵۲ آزمایش نمود. یک سال بعد، در ۱۲ اوت ۱۹۵۳، شوروی اولین بمب هیدروژنی خود را آزمایش کرد. سپس فرانسه، در سال‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۶۸، به سلاح‌های اتمی دست پیدا کرد. چین هم در سال‌های ۱۹۶۴ و ۱۹۶۷، صاحب این سلاح‌های کشتار جمعی شد. در اوج این رقابت تسلیحات اتمی، در حدود ۶۰۰۰۰ اسلحه اتمی در جهان مورد معامله قرار گرفت. امروز در سرتاسر جهان در حدود ۳۰۰۰۰ اسلحه اتمی وجود دارد که از این تعداد، ایالات متحده آمریکا و روسیه ۹۵ درصد تولیدکننده آن بوده‌اند.

منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای

قرارداد چند جانبه‌ای منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای که در ۵ مارس ۱۹۷۰ رسمیت یافت و تاکنون حدود ۱۷۰ کشور آن را امضاء کرده‌اند. همچنین در اواسط سال‌های ۶۰ میلادی، پس از بحران موشکی کوبا در سال ۱۹۶۲، آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی و بریتانیا قرارداد سه جانبه‌ای را امضاء کردند که بر مبنای آن ظاهراً از گسترش مجدد تسلیحات اتمی جلوگیری می‌شد. این قرارداد، سه بند داشت: ۱_ به رقابت‌های اتمی هر چه زودتر پایان دهند؛ ۲_ مذاکرات و قراردادهای اتمی را برای نیات خوب استفاده کند؛ ۳_ به کشورهایی که صاحب تسلیحات اتمی هستند برای تکمیل تکنولوژی اتمی برای مقاصد صلح‌آمیز یاری رسانند.

در راستای پیمان منع گسترش سلاح‌های اتمی، در سال ۱۹۹۵، کنفرانسی برای تکمیل این پیمان و کنکاش برای چگونگی پیشرفت این روند برگزار گردید. یک چهارم از ۴۴ دولت مورد خطاب این پیمان را مورد تایید قرار ندادند. ایالات متحده آمریکا جزء کشورهایی بود که قرارداد را امضاء نمود، اما در سال ۱۹۹۹ سنای آمریکا آن را رد کرد و مورد تایید قرار نداد. همچنین دولت بوش نیز این قرارداد را مردود شمرد. آخرین کنفرانس کنکاش و کنترل در سال ۲۰۰۵ برگزار گردید، اما این کنفرانس بدون هیچ‌گونه پیشرفتی و یا قطعنامه‌ای به پایان رسید.

اما کشورهای دارنده سلاح‌های اتمی، نه تنها خودشان به مسابقه تسلیحاتی پایان ندادند، بلکه به کشورهای دیگر که با آنها رابطه داشتند نیز کمک کردند تا به سلاح‌های اتمی دست پیدا کنند. زیرا اسناد و شواهد نشان می‌دهد که هیچ‌کدام یا دستکم اکثریت کشورهای دارنده سلاح‌های اتمی و دولت‌هایی که به دنبال سلاح‌های اتمی بوده‌اند، هیچ‌کدام به تعهد خود عمل نکرده‌اند و همچنان به تلاش‌های خود برای تولید و گسترش، فروش و تلاش برای دستیابی به سلاح‌های هسته‌ای ادامه می‌دهند.

فراتر از آن کشورهایی مانند اسرائیل، برای این که در این مورد آزادی عمل داشته باشند از پیمان منع سلاح‌های هسته‌ای خارج شده‌اند. طبق گزارش‌ها حدس زده می‌شود که اسرائیل در حدود بیش از ۲۰۰ اسلحه اتمی در اختیار دارد. همچنین پاکستان و هندوستان این قرارداد را امضاء نمودند. هندوستان در سال ۱۹۷۴ و سال ۱۹۹۸ و در همان سال پاکستان هم اولین آزمایشات اتمی خویش را انجام دادند. هندوستان و پاکستان، همواره بر سر کشمیر با همدیگر در کشمکش و رقابت دائمی به سر می‌برند. آخرین دولتی که حدس زده می‌شود دارای تسلیحات اتمی است، کره شمالی است. کره شمالی، در ژانویه ۲۰۰۳ از پیمان منع گسترش سلاح‌های اتمی خارج شد.

تاریخ فعالیت‌های انرژی هسته‌ای در ایران

رژیم سلطنتی، به شکل جنون‌آمیزی به امر مسلح شدن و دستیابی به سلاح‌های کشتار جمعی علاقه داشت، در حالی که به لحاظ علمی نیازی برای تولید انرژی اتمی نبود. چرا که کشوری مانند ایران، که بر روی دریایی از نفت و گاز شناور است و ذخایر فراوانی دارد، چه ضرورتی برای روی آوری برای دستیابی به انرژی اتمی دارد؟!

تلاش جدی رژیم شاه، برای دستیابی به سلاح‌های کشتار جمعی از اوایل ۱۹۷۴ آغاز شد، هر چند که این رژیم، تلاش‌های خود را در این جهت از سال‌های ۱۹۶۷ آغاز کرده بود. ایران، که فعالیت‌های اتمی خود را تحت عنوان «ساختن نیروگاه برای تولید برق»، پیش می‌برد، نیروی انسانی متخصص، دانش و تجربه فنی، تکنولوژی، وسایل و ابزارهای ایمنی نیروگاه‌ها و تاسیسات اتمی و از همه مهم‌تر تامین سوخت نیروگاه‌ها را نداشت. اولین خارجیانی که برای تاسیسات اتمی، به یاری ایران رفتند، آرژانتینی‌ها بودند که در زمینه‌های علمی و تحقیقاتی راکتورهای اتمی دانش و تخصص و تجربه و ابزار داشتند. در واقع مسئله سوخت که چهار مرحله را طی می‌کند: داشتن اورانیوم طبیعی، غنی کردن این اورانیوم، ساختن شبکه‌های سوخت با استفاده از اورانیوم غنی شده و مرحله چهارم هم سوختی که از راکتور اتمی تخلیه می‌شود، خود این مرحله هم مراحل مختلفی دارد. ایران، برای دستیابی به اورانیوم، با یک شرکت نامیبیایی، که آن موقع مستعمره آفریقای جنوبی بود و اکنون یک کشور مستقل است، قسمت بزرگی از سهام آن در اختیار یک کمپانی بزرگ معدنی بریتانیا، به نام (R.T.Z) Rio Tinto Zinc قرارداد داشت. در این معدن تاسیسات بزرگی برای تولید اورانیوم فعالیت داشت. رژیم شاه موفق شد، بخشی از سهام تاسیسات (R.T.Z) را بخرد و در تولید آن شریک باشد. همچنین از این طریق اورانیوم مورد نیاز خود را نیز تامین نماید. علاوه بر این یک شرکت آلمانی به نام (Uran Gesellschaft) که در سطح جهان برای دستیابی به منابع اورانیوم فعالیت می‌کرد نیز بخشی از سهام آن به دولت ایران تعلق داشت. علاوه بر این، ایران با شرکت‌های تولیدکننده اورانیوم فرانسوی و ایتالیایی نیز رابطه نزدیکی داشت. در داخل ایران نیز تلاش‌های زیادی برای کشف اورانیوم صورت گرفت که حاکی از وجود اورانیوم در این کشور بود. در دوره حکومت شاه، احتمالاً یا کشف و استخراج اورانیوم را مخفی نگاه داشتند و یا این که امکانات و دانش و فن استخراج آن را نداشتند.

سرانجام یک شرکت آلمانی، کار ساختن دو نیروگاه اتمی بوشهر را آغاز کرد که این شرکت برای تامین نیازهای ایران در زمینه غنی‌سازی اورانیوم، با شوروی قرارداد بست و ابزارها و خدمات مورد نیاز را نیز خریداری کرد. یک شرکت فرانسوی به نام (Eurodif) که یک شرکت بین‌المللی برای ایجاد یک کارخانه غنی کردن اورانیوم تشکیل داده بود و در این شرکت، ایتالیا، اسپانیا و بلژیک نیز سهام داشتند، ایران با قرارداد دادن یک میلیارد دلار وام به فرانسه، یکی دیگر از سهام‌داران آن شد. این قرارداد را هوشنگ انصاری وزیر اقتصاد و دارایی ایران، زیر نظر ژاک شیراک نخست وزیر وقت فرانسه و هویدا نخست وزیر وقت ایران، با همتای فرانسوی خود به امضاء رساند. براساس این قرارداد، دو شرکت به نام‌های (Sofidif) و (Coredif) در فرانسه به ثبت رسیدند که ۶۰ تا ۷۰ درصد سهام آن‌ها متعلق به کمیساریای انرژی اتمی فرانسه و ۳۰ تا ۴۰ درصد نیز متعلق به ایران بود.

نیروگاه اتمی را در هر منطقه‌ای نمی‌توان برپا کرد. یک نیروگاه اتمی باید در منطقه‌ای ساخته شود که اولاً باید آب به اندازه کافی برای خنک کردن نیروگاه موجود باشد. همچنین موقعیت نیروگاه باید طوری باشد که به راحتی تجهیزات بزرگ و سنگین نیروگاه را از طریق دریا، رودخانه و یا جاده‌های مناسب به نیروگاه انتقال داد. برای انتقال دستگاه‌های سنگین نیروگاه‌ها عرض جاده‌ها، پل‌ها و تونل‌ها، باید در نظر گرفته شود. علاوه بر این‌ها زمین انتخابی برای نیروگاه، به لحاظ فنی مناسب باشد. مهم‌تر از همه نیروگاه باید در منطقه‌ای قرار گیرد که دست‌کم کمتر زلزله‌خیز باشد. یک فاکتور مهم دیگر نیروگاه باید به مراکز مصرف برق نزدیک باشد، بدون این که نیروگاه در نزدیکی مراکز جمعیت واقع شود. زیرا تحقیقات نشان داده است کسانی که در نزدیکی نیروگاه‌های اتمی زندگی می‌کنند، به مرور زمان علاوه بر مبتلا شدن به بیماری‌های ناشناخته، تغییر شکل هم می‌دهند. به همین دلایل و با در نظر گرفتن موقعیت جغرافیایی ایران، انتخاب چنین منطقه‌ای برای ساختن نیروگاه چندان ساده نبود، از این رو حکومت شاه سه منطقه را برای برپایی نیروگاه‌های اتمی در نظر گرفته بود. اولین محل انتخابی بوشهر، دومی، منطقه‌ای به نام «دارخوین» در کنار رود کارون، و سومین محل در جنوب شرقی اصفهان در کنار زاینده‌رود بود. همچنین چند منطقه نیز از اصفهان و اراک و زنجان می‌گذشت و به آذربایجان منتهی می‌شد، در نظر گرفته شده بود. سرانجام اولین نیروگاه اتمی ایران، در شبه جزیره بوشهر آغاز شد.

طرح نیروگاه اتمی بوشهر، توسط موسسه آلمانی «کرافت و رک اونیون»، که بخشی از شرکت «زیمنس» بود، انجام شد. این شرکت مسئولیت اجرای طرح را به عهده داشت. نیروگاه بوشهر در آن دوره متشکل از دو واحد بود که هر یک ۱۲۰۰ مگاوات (یک میلیون و دویست هزار کیلو وات) قدرت داشت. طبق قرارداد، اولین واحد این نیروگاه در پایان سال ۱۹۸۰ و دومین واحد در سال ۱۹۸۱، به مرحله تولید می‌رسیدند. نیروگاه دوم نیز، در منطقه دارخوین در کنار رود کارون و در حدود صد کیلومتری اهواز، ساخته شد. این نیروگاه نیز دو واحد داشت و هر واحد به قدرت ۹۰۰ مگاوات. طراح و سازنده آن، موسسه فرانسوی «فراماتوم»، بود. طبق برنامه‌ریزی اولین واحد این نیروگاه در پایان سال ۱۹۸۲، و واحد دوم نیز در پایان سال ۱۹۸۳، برای بهره‌برداری آماده می‌شد. برنامه‌های نیروگاه سوم نیز در کنار زاینده‌رود در جریان بود.

از کشورهای دیگر که برای ساختن نیروگاه‌های هسته‌ای در ایران فعال بودند، می‌توان از چین نام برد. عمده‌ترین سازنده نیروگاه اتمی بوشهر، به ویژه پس از انقلاب ۱۳۵۷، دولت روسیه است که هنوز هم راه‌اندازی آن را به پایان نرسانده است.

جمهوری اسلامی، پس از سرنگونی رژیم شاه، دوره کوتاهی فعالیت‌های اتمی را معلق گذاشت، اما بعداً به ویژه با همکاری دولت روسیه فعالیت‌های مخفیانه خود را در این عرصه از سر گرفت. از اکتبر سال ۲۰۰۳، وزیران خارجه سه کشور اروپایی، یعنی آلمان، فرانسه و بریتانیا با ایران در مورد انرژی هسته‌ای وارد مذاکره شدند. اروپا به دنبال این بود که ایران را از تلاش برای دستیابی به ساختن بمب اتمی منصرف سازد. اما ایران نه تنها از چنین تلاشی چشم‌پوشی نکرد، بلکه شرایطی را نیز مطرح کرد که در صورتی که اروپا این شرایط را بپذیرد دست از غنی‌سازی بردارد. از جمله این شرایط عبارتند از: ۱- اروپا باید تضمین کند که ایران مورد حمله اسرائیل و آمریکا قرار نگیرد؛ ۲- اگر اروپا می‌خواهد که ایران فقط به دنبال تکنولوژی هسته‌ای نباشد، باید تضمین کند که تا ۳۰ سال آینده مواد سوختی اتمی را در اختیار ایران بگذارد. و در ازای آن ایران متعهد می‌شود که زباله‌ها را به اروپا تحویل دهد.

مسلم است که بدون توافق آمریکا، اروپا نمی‌تواند هیچ‌گونه تضمینی مبنی بر این که آمریکا و اسرائیل به ایران حمله نکنند، به این کشور بدهد، در نتیجه در حال حاضر مذاکرات ایران، با این سه کشور اروپایی، با شکستن پلمب نیروگاه اتمی اصفهان، دچار دستخوش گردیده است.

همچنین ایران می‌گوید که بعضی مناطق مربوط به امنیت ملی است و کاری به سیستم انرژی اتمی و فن‌آوری آن ندارد، بنابراین نمی‌تواند در معرض بازرسی سازمان انرژی اتمی قرار دهد. احتمالاً جمهوری اسلامی در این مناطق، فعالیت‌های مخفیانه‌ای را به دور از کنترل بازرسان انرژی اتمی

پیش می‌برد. به احتمال قوی با سیاست‌هایی که احمدی‌نژاد به عنوان رئیس جمهوری اسلامی و به طور کلی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی و مجلس و ارتش و سپاه و انصار حزب‌الله در پیش گرفته‌اند، سرانجام پرونده اتمی ایران به شورای امنیت سازمان ملل ارجاع داده خواهد شد و ایران در محاصره اقتصادی قرار خواهد گرفت. احتمال حمله نظامی به نیروگاه‌های اتمی ایران را نیز نباید از نظر دور نگاه داشت.

بدین ترتیب در اثر عملکرد و سیاست‌های جمهوری اسلامی، با کشمکشی که بین ایران و غرب و در راس همه نیز ایالات متحده آمریکا جریان دارد؛ جامعه ایران در شرایط دشواری قرار گرفته است که علاوه بر نگرانی‌های روزمره مردم عادی و جنبش کارگری و همه انسان‌های آزاده، حتی سرمایه‌داران نیز سرمایه‌های خود را از ایران خارج می‌کنند. بنا به اقرار رئیس قوه قضائیه جمهوری اسلامی، ۲۰۰ میلیارد دلار از سرمایه‌های کشور، به شیخ‌نشین‌های خلیج فارس انتقال یافته است. همچنین رئیس موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی جمهوری اسلامی نیز گفته است: «خروج سرمایه از کشور طی چند سال اخیر به اندازه هزینه حدود ۵ سال کشور است.» عبدالرضا رکن‌الدین افتخاری، در گفتگو با خبرگزاری اقتصادی فارس، افزود: «متأسفانه با وجود نیاز کشور به سرمایه‌گذاری و ایجاد اشتغال حدود ۵۰ تا ۶۰ درصد سرمایه‌ها از کشور خارج می‌شود و باعث آباد شدن اقتصاد کشورهای همسایه می‌شود. بازار بورس ایران نیز دچار بحران شده است.»

خطرهای انرژی اتمی بر جامعه و محیط زیست

مواد رادیوآکتیو که اشعه‌های آلفا، گاما و بتا را تولید می‌کنند پس از مصرف به صورت پس مانده باقی می‌ماند، مدت زمان زیادی لازم دارد که جرم این مواد مصرف شده به صفر برسد. زباله‌های رادیوآکتیو نیز خطر بزرگی برای جامعه است. امروز دولت‌ها به طور مخفیانه زباله‌های رادیوآکتیو را در معادن نمک دفن می‌کنند که برای آینده بشریت بسیار خطرناک است. تحقیقات علمی نشان داده است که کسانی که در نزدیکی رآکتورهای اتمی زندگی می‌کنند و حتی دیگر جانداران در معرض اشعه رادیوآکتیو تغییر شکل می‌دهند. گفته می‌شود معضل زباله‌های اتمی برای تجزیه شدن، به یک هزار سال نیاز دارد.

برای مثال، در گزارشات و تحقیقات درباره فاجعه اتمی چرنوبیل، تعداد قربانی‌ها ۷۰ هزار نفر ذکر شده است که بخشی از آن‌ها شامل خودکشی‌های بعدی از روی یاس و درماندگی بوده است. همچنین گفته شده است که ده‌ها هزار انسان نیز در سال‌های بعد در اثر صدمات وارده در این حادثه، جان خود را از دست داده‌اند.

بدین ترتیب، خطر نیروگاه‌های اتمی و سلاح‌های کشتار جمعی فقط در این نیست که از آن در جنگ‌ها برای نابودی دسته‌جمعی مردم استفاده می‌شود، بلکه نشو رادیوآکتیو و یا یک حادثه‌ای در نیروگاه اتمی نیز می‌تواند محیط زیست را به نابودی بکشاند و ضایعات انسانی به بار آورد. تحقیقات نشان می‌دهد که هزینه تولید هر کیلووات ساعت برق برای نفت ۵ سنت، برای گاز کم‌تر از دو و نیم سنت و برای انرژی هسته‌ای سه و نیم سنت هزینه در بردارد. بنابراین هزینه تولید انرژی هسته‌ای نسبت به منابع نفت و گاز به مراتب گران‌تر است.

اگر با این معیار به ایران نگاه کنیم، یعنی کشوری که نفت و گاز غنی دارد، می‌تواند برق خود را از این منابع تامین کند و نیازی به نیروگاه‌های اتمی ندارد. پس با واقعیت غیرقابل انکار روبه‌رو می‌شویم که جمهوری اسلامی، استراتژی نه برای تولید برق، بلکه استراتژی دستیابی به سلاح‌های کشتار جمعی اتمی را دنبال می‌کند.

براساس گزارش آژانس بین‌المللی اتمی، در حال حاضر در سراسر جهان ۴۲۲ رآکتور اتمی وجود دارد که مجموع ظرفیت آن‌ها در حدود ۳۰۰ هزار مگاوات است. تخمین زده می‌شود تا سال ۲۰۳۰ تعداد آن‌ها به دو برابر و تا ۱۰۵۰ به چهار برابر خواهد رسید. این رآکتورها، فقط قادرند ۱۷

درصد از نیازهای انرژی مردم کره زمین را تامین کنند. بنابراین تکنولوژی اتمی کره زمین و ساکنان آن را با چه مخاطرات هولناکی مواجه ساخته است؟!

برای مثال در انفجار و آتش‌سوزی مهیب واگن‌های قطار نیشابور، در بیست و نهم بهمن ماه ۱۳۸۳، ۲۸۳ نفر کشته شدند و صدها نفر نیز زخمی شدند. همچنین خسارات هنگفت مالی نیز به وجود آمد. اما هرگز روشن نشد که در این واگن‌ها چه مواد و سلاح‌هایی حمل می‌شد. اکنون «سایت بازتاب»، ۲۰ مهر ۱۳۸۴، به نقل از وزیر راه و ترابری نوشته است: «خبرگزاری فارس، از آماده شدن گزارش ۳۰۰ صفحه‌ای وزارت راه و ترابری از سانحه قطار نیشابور به معاون اول رییس جمهوری خبر داد. بنا به این گزارش، سانحه قطار نیشابور ابعاد مختلف فنی و پیچیده‌ای دارد.» این سایت به نقل از رحمتی، وزیر راه و ترابری نوشت: «این سانحه منجر به تدوین آیین‌نامه حمل کالاهای خطرناک شد.» چه کالای خطرناکی در این قطار حمل می‌شد که با انفجار آن در واگن‌ها، باعث خسارات جانی و مالی زیادی در مسیر حرکت این قطار شد؟ در آن موقع برخی از روزنامه‌های جسته و گریخته به حمل مواد منفجره و شمیایی در این قطار اشاره کرده بودند. اکنون پرونده این کالاهای «خطرناک» از زبان وزیر راه و ترابری نیز جاری می‌شود.

از سویی تحقیقات نشان می‌دهد که ظرفیت و توان انرژی غیرهسته‌ای سازگار با طبیعت برای تامین انرژی جهان کفایت می‌کند. غیر از نفت و گاز، شیوه‌های دیگری نیز برای ساخت و ساز بنا استفاده کرد تا در آن از اشعه خورشید انرژی تولید کرد و نیاز به گرما و سرما را تامین نمود.

بدین ترتیب تولید و فروش سلاح‌های اتمی و تلاش برای دستیابی به انرژی اتمی، زندگی ساکنان کره زمین را به خطر انداخته است، اما از آنجایی که سود سرشاری به جیب دولت‌ها و شرکت‌های سازنده آن‌ها سرازیر می‌کند، همچنان به تولید و فروش آن ادامه داده می‌شود. واقعیت‌ها نشان می‌دهد که بر خلاف ادعاهای همه کسانی که در تولید و فروش نیروگاه‌های اتمی ذینفع هستند، بشر برای زیست و زندگی هیچ نیازی به این نیروگاه‌های هولناک ندارد. سیستم سرمایه‌داری در طول تاریخ، منافع اقتصادی، سیاسی و نظامی خود را بر زیست و زندگی سالم و انسانی ترجیح داده است. بنابراین هر جریان و انسان آزاده‌ای برای دفاع از جان انسان‌ها و مواظبت از محیط زیست، باید خواهان برچیده شدن کلیه نیروگاه‌های اتمی در سراسر جهان و نابودی کلیه سلاح‌های کشتار جمعی و جهانی عاری از سلاح شد.

ایران در ۳۵ سال گذشته، برای راه‌اندازی نیروگاه‌های اتمی، توسط روسی‌ها، فرانسوی‌ها، آلمانی‌ها و... میلیاردها دلار فقط خرج نیروگاه اتمی بوشهر کرده است که هنوز هم به بهره‌برداری نرسیده است. در حالی که اگر این مبالغ صرف مثلا تاسیس کارخانه‌های صنعتی مدرن و پیشرفته و یا مدرنیزه ساختن ابزارهای تولیدی و ایمنی صنایع می‌شد، از یک سو صدها هزار کارگر در این کارخانه‌ها اشتغال پیدا می‌کردند و بیکاری در این ابعاد میلیونی پیش نمی‌آمد و از سوی دیگر، لوازم مورد نیاز جامعه با قیمت ارزان و مناسبی به دست مصرف‌کنندگان می‌رسید. بنابراین، نیاز به تحلیل و تفسیرهای پیچیده‌ای نیست تا تشخیص داده شود تلاش برای دستیابی به سلاح‌های کشتار جمعی در دو رژیم شاهنشاهی و اسلامی، غیر از ضرر و زیان مالی و جانی سودی برای جامعه نداشته است. اکنون نیز رقابت و کشمکش در این عرصه، جامعه ایران را احتمالاً به سوی محاصره اقتصادی سوق خواهد داد که بیش‌ترین قربانیان آن مزدبگیران و مردم محروم و فقیر خواهند بود. ما نتایج چنین فجایع انسانی را در بیش از یک دهه محاصره اقتصادی عراق شاهد بودیم. علاوه بر این ادعا می‌شود هر کشوری که سلاح‌های اتمی داشته باشد، تضمین‌کننده امنیت آن کشور است، در حالی که چنین ادعایی صحت ندارد، زیرا آرایش اقتصادی، سیاسی، نظامی و بلوک‌بندی‌های دنیای امروزی طوری است که اتفاقاً کشوری که دست از سیاست‌های میلیتاریستی و کشمکش‌های جهانی و منطقه‌ای بردارد و هزینه‌های سنگین میلیتاریستی، به ویژه تولید سلاح‌های اتمی را صرف رفاه اجتماعی و پیشرفت علمی و تکنولوژیک مثبت نماید، ثبات و امنیت آن نیز بیش‌تر است.

باید هرگونه تلاش برای دستیابی به سلاح‌های اتمی، تولید و فروش آن بویژه تلاش‌های رژیم جمهوری اسلامی، برای دستیابی به سلاح‌های کشتار جمعی را صریحا محکوم کرد؛ خواهان ناپودی کلیه سلاح‌های کشتار جمعی در جهان شد و خواهان اختصاص بودجه‌های میلیاردی سلاح‌های کشتار جمعی، به مسایل انسانی و اجتماعی در ایران و جهان گردید. بدون شك ساختن جهانی بدون سلاح، به ویژه سلاح‌های اتمی، بدون جنگ و کشتار، بدون تبعیض و بدون استثمار و ...، با تلاش و مبارزه متشکل طبقاتی پیگیر و جدی عملی و امکان‌پذیر است!